

## خبر

## گرایش به هنر راز ماندگاری قاجار

سالن کنفرانس موسسه ایرانشناسی بریتانیا واقع در ضلع شمالی باغ سفارت انگلستان در خیابان قلهک تهران ۳۱خرداد میزبان علاقه‌مندان به تاریخ قاجار بود.

به گفته خبرگزاری میراث فرهنگی دکتر پل لافت استاد ایران‌شناسی دانشگاه دورهام درباره «ایران قاجار در اوایل دهه نوزدهم: فرهنگ دربار و نقش‌های برجسته» سخنرانی کرد.



پل لافت که به زبان فارسی نیز مسلط است سخنرانی خود را به زبان انگلیسی و در حضور جمعی از محققین و دوستداران هنر و فرهنگ ایران ارائه داد. موضوع ویژه‌ای که توسط لافت به آن پرداخته شد جایگاه هنر در دربار قاجار علی‌الخصوص در دوران فتحعلی‌شاه قاجار بود.

لافت با تأکید بر اینکه گذر از یک جامعه ملوک‌الطوایفی به یک حکومت منسجم و یکپارچه به مشکلی اساسی برای مورخین تبدیل شده معتقد است که حاکمان در دوره قاجار حداکثر تلاش خود را برای رها ساختن خود از سیستم سنتی ملوک‌الطوایفی انجام دادند. لافت معتقد است که به‌کارگیری ترکیبی از هنر، ادبیات و باورهای عمومی که توسط حکومت قاجار در جامعه ایران پررنگ شد از عواملی بودند که به تداوم طولانی مدت رژیم قاجار منجر شدند.

از دیدگاه لافت، فتحعلی‌شاه قاجار در پیاده کردن یک حکومت مرکزی منسجم نقش بسیار مهمی ایفا کرد. فتحعلی‌شاه که مدتی را در شهر شیراز پایتخت پیشین ایرانیان در زمان حکومت زندیه گزاراند، تحت تأثیر هنر و فرهنگ کهن ایران که نشانه‌های آن در این خطه از سرزمین ایران پررنگ‌تر دیده می‌شد قرار گرفت که این مسئله در نگرش‌های فرهنگی و هنری وی نقش بسیار برجسته‌ای گذاشت. به خصوص فرهنگ شفاهی شاهنامه‌خوانی که از فرهنگ‌های سنتی غالب در مناطق زاگرس و استان فارس است تأثیر عمیقی بر شخصیت او گذاشت.

بدین لحاظ بود که وی از نظر هنری شخصیتی کاملاً متفاوت با عموی خود، آقامحمدخان، داشت. «هر چند وی تحت تأثیر جو فرهنگی و متعادل دربار زندیه قرار گرفت ولی هرگز این رویه را در دربار خود در پیش نگرفت و دربار او از جدیت و انضباط بیشتری در مقایسه با دربار زندیه برخوردار بود.» لافت با نشان دادن تصاویر و اسلایدهایی از هنر نقش‌برجسته و نیز تابلوهای نقاشی با تصویر پادشاهان به اهمیت این هنرها در دوره قاجار که عمده آن از زمان فتحعلی‌شاه شروع شد پرداخت. وی همچنین در سخنرانی خود تاریخچه روابط ایران و انگلستان که پایه‌های آن در دوران فتحعلی‌شاه بنا نهاده شد را به طور اجمالی مرور کرد.

### نیم نگاه

## چرا وقتی به آزادی می‌رسیم آن را حفظ نمی‌کنیم؟

|                                                                                                                                                            |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div><span><span>سید محبتی هاشمی</span></span></div>                                                                                                       |
| <span></span>                                                                                                                                              |
| <div><div><span></span><span>بخش زیادی از این امر به روحیه انحصار طلبانه و تمایت‌خواهانه‌ای برمی‌گردد که در اکثر ما کم و بیش وجود دارد.</span></div></div> |

این که خود را حق، بقیه را باطل و غرق در فساد می‌دانیم که با باید به نحوی که ما می‌گوییم و خواهیم اصلاح کردند یا از صفحه روزگار محو گردند. آدم‌ها یا سیاه و یا سفید هستند، حد وسطی نداریم.

از آنجا که آزادی برای ما ارزش و اولویت نیست، بلکه حکم فرصت و ابزاری برای پیشبرد اهدافمان دارد و بر این اساس خود را مقید می‌دانیم که از این فرصت حداکثر بهره‌برداری را جهت منکوب نمودن رقیب بیریم.

عدم شناخت جامعه و نیازهای آن و اینکه تنها خود را متجی جامعه می‌دانیم، باعث می‌شود که خود را مجاز بدانیم به هر نحو که بخواهیم اهداف، ارزش‌ها و آرمان‌های خود را به جامعه بقبولانیم. در نتیجه به محض ایجاد کوچک‌ترین آزادی در جامعه دچار نوعی هیجان زدگی گشته، درصدد برمی‌آییم تا از آن در راه تحکیم موقعیت خویش بهره گیریم.

اگر اوضاع آنچنان بود که ما نمی‌خواستیم، با به هم زدن صحنه به هر شیوه ممکن، کار رقیبان را مشکل و با ایجاد هرج و مرج و آشوب در جامعه با دولت‌های دموکراتیک مستقر به مانند دولت‌های مستبد برخورد می‌کنیم.

این تجربه تلخی است که ما هر بار آن را فاجعه‌بارتر از قبل تکرار کرده‌ایم و از آن عبرت هم نمی‌گیریم.

### \* سردبیر دوهفته‌نامه طلوع قاینات

### ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir

### گزارش سال۱۳۱۹

سال خون، سال جنگ و زشتی‌های آن، سال اوج جنگ جهانی دوم، سالی بد و زیانبار برای ایران و جهان در راه بود. نیروهای آلمان نازی به دانمارک و نروژ یورش بردند و آن دو کشور را در مدت کوتاهی تصرف کردند. همچنین هلند، بلژیک و لوکزامبورگ در حمله‌ای برق‌آسا و غافلگیرکننده، تسلیم ارتش آهنین رایش سوم شدند. اروپاییان اکنون در دیدگاه‌های متضدانه خود دچار شک و بدبینی شده بودند.

آیا دموکراسی بهترین گونه اندیشه سیاسی بود؟ پس چرا و چگونه اروپای دموکرات این‌گونه در برابر توفان سهمگین دیکتاتوری و فاشیسم خم می‌شد و از پا درمی‌آمد؟ راهکار دموکراسی در این هنگامه آشوب و جنگ چیست؟ از دل آن اروپای دموکراتیک و از درون آن تکنولوژی خیره‌کننده اکنون فاشیسم تا دندان مسلح به مدرن‌ترین سلاح‌های پیشرفته سر برآورده بود! کژی از کجا پدیدار شد؟ آیا زائیده شدن این غول دهشت‌انگیز از کاستی‌های دموکراسی، «جامعه‌باز و دشمنانش» بود؟ آیا دانش بشری شتابان به سوی تباهی رفته و آن زرادخانه‌های عظیم را پدید آورده بود تا جهان را به خاک و خون بکشدان؟

به هر روی دولت‌های اروپایی هوادار دموکراسی نیز



### ۱۹ خرداد ۱۳۸۵

**حسن مرسلوند**: این روزها در دربار مظفرالدین شاه نیز

گروهی از دولتمردان و درباریان هر یک به انگیزه‌ای، به طور پنهانی به همکاری با سران جنبش پرداخته بودند. آنان می‌کوشیدند تا رویدادهای کشوری را آن‌گونه که هست به گوش شاه برسانند، نه آن‌گونه که عین‌الدوله گزارش می‌دهد. بنیانگذاران این کانون را می‌توان دبیر حضور– قوام‌السلطنه بعدی–، دکتر اعلم‌الدوله– پزشک مخصوص شاه–، میرزا حسن خان مشیرالملک

### نیم نگاه

|                                                                      |
|----------------------------------------------------------------------|
| <div><span><span>ابوالقاسم خان ملقب به ناصرالملک</span></span></div> |
| <span></span>                                                        |
| <div><div><span></span><span>صد چهره</span></div></div>              |

ابوالقاسم خان ملقب به ناصرالملک نایب‌السلطنه احمد‌شاه قاجار بود. در سال ۱۲۸۲ ق مـتولد گردید. پدربزرگش در سفر دوم ناصرالدین‌شاه به همراه شاه عازم فرنگ گردید و نوه خود را به همراه خود برد و وی را در دانشگاه آکسفورد ثبت نام کرد. اقامت وی در انگلستان شش سال به طول انجامید و پس از بازگشت چون به زبان انگلیسی آشنایی کامل داشت قوانین و آئین‌نامه‌ها را ترجمه و به اطلاع شاه و درباریان می‌رسانید. پس از فوت محمودخان ناصر الدین شاه تمام مناصب و القاب وی از قبیل حکومت همدان و لقب ناصرالملکی را به ابوالقاسم خان سپرد. هنگامی که مظفرالدین‌شاه به سلطنت رسید وی همچنان موقعیت ممتاز خود را در دربار مظفری حفظ نمود. پس از برکناری دولت مشیرالدوله در خصوص تعیین نخست‌وزیر جدید بین شاه و مجلس اختلاف نظر به‌وجود آمد و مجلس از محمدعلی‌شاه درخواست نمود فردی را برای نخست‌وزیری در نظر بگیرد که از محبوبیت بالایی برخوردار باشد. در حالی که شاه اعلام داشت فرد مناسبی را برای این پست سراغ ندارد یکی از انتخاب‌های مجلس ناصرالملک بود. اما نامبرده به این پست بی‌علاقگی نشان می‌داد. دلیل این امر نیز آگاهی از نیت محمدعلی‌شاه در مخالفت با مشروطه از یک سو و اصرار شاه بر تعیین وزیر کشور کابینه توسط خود او



**سمیرا وکیلی**: روزنامه هفنگی پرورش در اوایل سال ۱۳۱۸ قمری (۱۹۰۰ میلادی در قاهره مصر) منتشر شد. نخستین شماره این روزنامه مورخ دهم صفر سال مذکور انتشار یافت. میرزاعلی محمدخان کاشانی برادر (میرزا عبدالحسین‌خان) وحیدالملک نماینده مجلس دوم، دارنده و نگارنده و مدیر این روزنامه بود. پرورش یکی از مهمترین روزنامه‌های فارسی است که از لحاظ نفوذ در میان نسل جوان ایرانی مقام اول را حاز است و موجب تهییج افکار و محرک احساسات توده

بر آن شدند تا با همبستگی و اتحاد، نیروی متفقین را تشکیل دهند تا جلو این سیل فاشیسم بنیان‌کن را بگیرند. نیروهای انگلستان در خاک نروژ پیاده شدند. در انگلستان وینستون چرچیل و در فرانسه مارشال پتن و در آمریکا– برای بار سوم – روزولت بر سر کار آمدند تا جلوگیری هجوم نازی‌ها شوند.

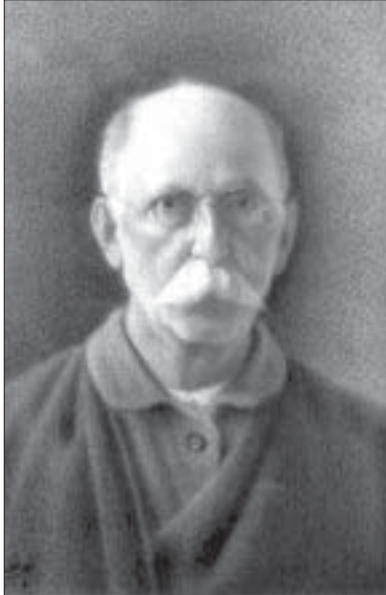
اما فاشیسم تنها در خاک آلمان چنگ و دندان نشان نداده بود، فاشیسم اصلی و بنیانگذار این واژه نوپای سیاسی یعنی موسولینی که آرم درفش حزبی‌اش شکل تبر را نشان می‌داد، با اعلام جنگ به فرانسه به آلمان پیوست و جبهه متحدین را تقویت کرد. اینک اروپا آوردگاه دو اندیشه سیاسی فاشیسم و دموکراسی شده بود.

در ایران اما دوباره چرخش سیاسی چشمگیری پدیدار شد. رضاشاه، دکتر احمد متین‌دفتری هوادار آلمان‌ها را از نخست‌وزیری برکنار و بازداشت نمود و علی‌متصور هوادار انگلستان را به جای او نشاند. در این هنگام دکتر محمد مصدق نیز که پدرزن و عموی دکتر متین دفتری بود و رضاشاه تاکنون به ملاحظات سیاسی وی را گرفتار نکرده بود، دستگیر و راهی زندان شد. چند روز بعد از زندان تهران نیز به زندان بیرجند منتقل شد. دکتر مصدق از مخالفان آشکار رضاشاه بود و در موضوع ماده واحده تغییر سلطنت از خاندان قاجاریه به پهلوی رای کیود داده بود. هنگامی که نظامیان وی را به

تبعیدگاه می‌برند، در نیمه‌راه به سالن غذاخوری بزرگی می‌روند که عکسی از رضاشاه بر دیوار آن نصب شده بود. مصدق با صدای بلند و خطاب به عکس رضاشاه می‌گوید: «ای زبردست زبردست آزار / گرم تا کی بماند این بازار؟» و با خوردن مقداری تریاک اقدام به خودکشی می‌نماید که با مطلع شدن مامورین محافظ از مرگ نجات می‌یابد.

در تابستان این سال ارباب کیخسرو شاهرخ نماینده میهن‌دوست و آزادیخواه زرتشتیان در مجلس شورای ملی نیز به طور مرموزی درگذشت. وی هنگامی که از پیاده‌رو خیابان عبور می‌کرد، اتومبیلی وارد پیاده‌رو شد و او را زیر گرفت. وی از مشروطه‌خواهان و از کوشندگان راه آزادی ایران بود که تا هنگام مرگ لحظه‌ای از کوشش فروتنشست. ارباب کیخسرو آن‌چنان درستکار و پاکدامن بود که شادروان سیدحسن مدرس درباره او گفته بود: «ما اگر در مجلس یک نماینده مسلمان واقعی داشته باشیم، آن هم ارباب کیخسرو شاهرخ است!»

هنر ایرانی نیز در این سال به سوگ نشست. استاد کمال‌الملک نقاش چیره‌دست ایرانی در سن ۹۶سالگی و در اثر زوای خودخواسته نیشابور روی در نقاب خاک کشید. از وی پرده‌هایی از هنر نقاشی به جای مانده که موجب فخر و مباهات هنر ایرانی است. پیکر وی در آرامگاه عطار نیشابوری به خاک سپرده شد.



### کاملاً محرمانه

شده است. محمدعلی‌شاه نیز بعدها مدعی شد که در آن روزهایی که فرمان مشروطیت صادر شد، پدرش در بی‌هوشی به سر می‌برد و درحالت طبیعی چنین فرمانی را مهر و امضا نکرده است. گرفتاری‌هایی هم برای دکتر اعلم‌الدوله پیش آمد که بدان‌ها نیز اشاره خواهد شد. در نیمه دوم خردادماه فعالیت این گروه شدت گرفت. نامه‌هایی از دبیر حضور– قوام‌السلطنه– خطاب به آقا سید عبدالله بهبهانی در دست است که نشان می‌دهد قوام‌السلطنه به اخبار داخلی دربار دقت نظر داشته و

# شاه حکم اعدام داد، مجلس حکم صدارت

### محمود فاضلی

ناصر الملک رضایت شاه را به همراه نداشت و کینه وی باعث گردید پس از به توپ بستن مجلس نویسنده مقاله به‌طرز فجیعی کشته شود. شاه بروز ناآرامی‌ها در بعضی از شهرها را ناشی از بی‌لباقتی دولت می‌دانست و ناصرالملک نیز دلیل این ناآرامی‌ها را تحرکات عوامل شاه و دشمنان مشروطه اعلام داشت.

ناصرالملک بدون اطلاع شاه استعفا داد و در فردای استعفا وابستگی دربار نظاهرانی برپا کردند. در درگیری آنها با طرفداران مشروطه شعارهایی همچون «ما دین نبی خواهیم، ما مشروطه نمی‌خواهیم» سر دادند که کلیه این تحریک‌ها از سوی عوامل شاه و دربار صورت می‌گرفت. سپس شاه شخص ناصرالملک و اعضای کابینه را به دربار احضارکرد، اما ناصرالملک ابتدا به بهانه بیماری از رفتن خودداری کرد. سرانجام وی مجبور به رفتن می‌شود اما چون از عواقب این احضار آگاه بود مخفیانه فردی را به سفارت انگلستان فرستاد تا به نوعی خواستار تضمین سلامتی او از سوی سفارت شود.

پس از توقیف ناصرالملک توسط دربار، شاه قصد جان وی را می‌کند. ناصرالملک امان می‌خواهد تا دو رکعت نماز به جای آورد. در این فاصله چرچیل نفر دوم سفارت انگلستان از سوی وزیر مختار کشورش به دربار اعزام و تقاضای ملاقات با شاه را ارائه می‌دهد و

# پرورش و انقلاب فکری

مجلس محاکمه یا محضر قاضی وجدان، سرمشق فصاحت و بلاغت در زبان فارسی شمرده می‌شود. پرورش بعد از قانون، آزدآمشن‌ترین روزنامه ایرانی در میان تمام مطبوعات فارسی در عصر استبداد بوده است و به شجرت آهنگ تند و حملات شدید خویش به اصول اداره و تشکیلات دولت ایران، مخصوصاً اقتساد سخت از روش‌های افکار عمومی ایرانیان داشته و در حقیقت موجب انقلاب فکری در کشور بوده است. بعضی از مقالات مخصوص آن از قبیل خواب و خیال، مقاله مصاحبه، دور تسلسل،

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۳۴

علما و محدثین شیعی نیز در ماه‌های پایانی این سال به سوگ حاج‌شیخ عباس قمی مؤلف کتاب «مفاتیح الجنان» نشستند. از مرحوم حاج شیخ عباس قمی، بیش از سی جلد کتاب در زمینه حدیث و علوم دینی بر جای مانده است.

شهرهای ایران نیز در این سال به طور رسمی سرشماری شدند: اصفهان تا شعاع شش کیلومتری دارای ۵۹۸/۲۰۴ نفر جمعیت، همدان ۸۷۴/۱۰۳ نفر، شیراز ۲۲۳/۱۲۹ نفر و کرمانشاه دارای ۶۲۲/۸۸ نفر جمعیت بود.

این سال را در حالی به پایان می‌بریم که شعله‌های جنگ جهانی‌کمر دوم هر لحظه گسترده‌تر و افروخته‌تر می‌شد. فرانسه تسلیم آلمان شد و نیروهای ایتالیا به آفریقا یورش بردند. این نخستین حمله‌ای است که جنگ را از قاره اروپا به قاره آفریقا می‌کشاند. با پیوستن ژاپن به آلمان و ایتالیا آتش جنگ به قاره آسیا نیز کشیده شد. با حمله ایتالیا به یونان و حملات سرسام‌آور هوایی آلمان‌ها به انگلستان و پیوستن مجارستان و بلغارستان به محور متحدین جنگ وارد مرحله خطرناک و دشواری شد. اکنون قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا در آتش جنگ جهانی دوم می‌سوخت و قاره آمریکا– که پیشینیان ما آن را بنگی دنیا یعنی دنیای تازه و جدید می‌خواندند– در آن سوی دنیا و به دور از تیررس جنگ، نگران لحظه به لحظه آن بود!



سران روحانی جنبش را از تصمیم‌گیری‌های مهم دربار آگاه می‌کرده است.

همچنین نامه‌هایی نیز میان اعلم‌الدوله و دبیر حضور عبدالله شده که در بالای برخی از آنها نوشته شده «کاملاً محرمانه است». محتوای این نوشته‌ها، رازینی و راهنمایی طرفین مکاتبه جهت پیشبرد کار مشروطه‌خواهی را نشان می‌دهد و برخی مورخین بر این باورند که این گروه، زاینده رقابت روس و انگلیس در دربار ایران هستند. همان‌گونه که روس‌ها علیه مشروطیت ایران کمر بستند، انگلیس‌ها نیز به هواداری از مشروطه، کانون‌هایی را پدید آوردند!

سال سوم ■ شماره ۷۹۲ *شرق*

### نگاه

## نهادهای مدنی مقدم بر احزاب

|                                                         |
|---------------------------------------------------------|
| <div><span><span>هرمز شریفیان</span></span></div>       |
| <span></span>                                           |
| <div><div><span></span><span>صد نکته</span></div></div> |

پیش از رسیدن به مفهوم حقیقی «حزب» که می‌توان آن را نهادهای مدنی دانست که

اهداف و خواسته‌های سیاسی خود را براساس اصول خود (مرامنامه حزب) پیگیری می‌کند، شاید باید به یله‌ای پائین‌تر از حزب که همانا «نهادهای مدنی» هستند نگاهی گذرا بیفکنیم.

اتحادیه‌های صنفی– انجمن‌ها– نهادهای دانش‌آموزی، دانشجویی و از این دست را می‌توان جزء این گروه قرار داد که در آن خواسته‌های مدنی و صنفی به صورت قانونمند و تشکیلاتی پیگیری می‌شوند. نهادهایی که در بلنه قدرت و حکومت قرار نداشته و صرفاً خواسته‌های صنفی خود را پیگیری می‌کنند. اینجا است که افراد یک جامعه صرف‌نظر از هرگروه و عقیده مطالبات خود را به سایه تشکیلی قانونمند پیگیری کرده و اعضای آن گفت‌وگو، سخنرانی، تبادل افکار و… را تمرین می‌کنند و با اینگونه ساختار هاآشنای می‌شوند. در جامعه‌ای که اینگونه کوشش‌ها و فعالیت‌ها به زیر حد استاندارد برسد، به‌یقین آشنایی طبقات مختلف جامعه با این دست فعالیت‌ها به پائین‌ترین حد می‌رسد. پس از نهادهینه شدن این نهادهای مدنی است که احزاب شکل گرفته و در کنار خواسته‌های صنفی، خواسته‌های سیاسی نیز طرح و دنبال می‌شوند. احزابی که به‌ویژه در ایران و پس از مشروطه تشکیل شده‌اند، عموماً جایی برای طبقات مختلف جامعه نداشته و هسته مرکزی آن توسط دو یا چند نفر از نخبگان و روشنفکران تشکیل شده و بیشتر به «جمعی روشنفکر که در میزگردی دور هم نشسته و تبادل‌نظر می‌کنند» می‌ماند! تا به حزب! اگر این را بپذیریم که در ساختار یک حزب غیر از نخبگان، روشنفکران، دانشجویان و سیاستمداران افراد دیگری از جامعه نیز مانند کارگران، بازرگانان، پزشکان، معلمان و… می‌توانند نقش موثری داشته باشند، آنگاه می‌توان گفت که پایه‌های یک فعالیت و کوشش حزبی در حال شکل‌گیری است. تصور مردم عادی در ایران از حزب، نگاهی از پائین به بالا است، نگاهی که پائین‌دست به بالادست می‌اندازد! در حالی که چنین نیست، حزب نهادهای مدنی است که تمام افراد هم‌فکر با آن باید در پیشبرد اهداف آن سهیم باشند. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت: نهادهای مدنی قدرتمند و آزاد، پایه‌های تشکیل احزاب قدرتمند می‌شوند، نهادهایی که در آن افراد جامعه در سایه تبادل افکار به این توانایی می‌رسند که خواسته‌های مدنی خود را به صورت یکپارچه پیگیری کرده و می‌فهمند خواسته‌های خود را چگونه با روش‌های متمدانه درخواست نمایند. از دید نگارنده ضعف نهادهای مدنی، حرکت کوشندگان و فعالان صنفی را به حداقل رسانده و کم‌کم از آن رویگردان کرده و طبقات پائین‌تر را از گردونه خارج ساخته و همه متظرند که روشنفکران در احزاب، اهداف آنان را پیگیری نمایند که این خیالی بیهوده است. نخبگان به تنهایی قادر به پیگیری اهداف تمام جامعه نخواهند بود. عدم اقبال وسیع مردم به کوشش احزاب را می‌توان این‌طور بررسی کرد که ضعف فعالیت نهادهای مدنی باعث این می‌شود که جامعه «یاد نگردد» خواسته‌های خود را چگونه دنبال کند و دیگر اینکه احزاب نیم‌بند نیز خود به تنهایی نخواهند به تمام خواسته‌ها برسند. در چنین وضعیتی رسیدن به این اهداف بسیار بعید به نظر می‌رسد. هرگاه نهادهای مدنی قدرتمند، جدای از ساختار حکومت بتوانند به صورت قانونی اهداف خود را پیگیری کنند و جامعه «بداند» که می‌تواند» از این راه مطالبات اجتماعی خود را به دست آورد، شاید بتوان گفت که پایه‌های «احزاب سیاسی مردم» در حال شکل‌گیری است.

### کتاب‌شناسی

### کاشان در جنبش مشروطه ایران

کتاب کاشان در جنبش مشروطه ایران نوشته حسن نراقی در سال ۱۳۵۵ از سوی انتشارات مشعل آزادی انتشار یافت. کتاب که پس از بررسی اجمالی به اوضاع و احوال اجتماعی کاشان در عهد قاجار، جریان حوادث ۱۵ ساله کاشان در آغاز مشروطیت و دوران طغیان و سرکشی نایب‌حسین کاشی و پسرانش تا پایان آن غائله را در بر می‌گیرد، در بدو امر ممکن است شعله‌ای از گیرودارهای وقایع محلی به شمار آید و از دیدگاه تاریخ عمومی کشور، چندان واجد اهمیت کلی تلقی نگردد، اما باید به‌خاطر آورد که وسعت دامنه فتنه و فسادیشان بزرگ و نابسامانی‌های درازمدت و آثار سیرات بخش آن، گذشته از حدود شهرستان کاشان، مناطق وسیعی از سایر نقاط ایران را در بر گرفته بود و چنان‌با سیاست‌های داخلی و خارجی و برخی از زمامداران کشور پیوستگی یافته بود که تا سال‌ها ادامه داشت. در این کتاب ۲۰۶ صفحه‌ای، دوزنمایی از سوابق تاریخی کاشان در عهد قاجاریه، کاشان در آغاز جنبش مشروطه و پشامدهای مختلف کاشان در مشروطه دوم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### واله‌های فرنگ با

### پیشگامان تفکر جدید در ایران

کتاب «واله‌های فرنگ» نوشته محمد خاتمی در سال ۱۳۷۷ از سوی انتشارات نشر انتشار یافت. کتاب تحلیلی مختصر از عقاید برخی از منادیان استعمار در ایران است که به شناسایی و نقد آرای افرادی همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالحجیم طالیبوف، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، آقاخان کرمانی، یوسف‌خان مستشارالدوله و زین‌العابدین مرعراغی‌ای پرداخته است. از دیدگاه نویسنده کتاب، این گروه از نویسندگان سبدر مشروطیت که باید آنان را پیشگامان تفکر جدید در ایران نامید، در حقیقت مورچین مرام و مسلک غریب در ایران بودند و با تمام قوا می‌کوشیدند تا با تخطئه دین و جدا کردن مردم از آن، هرچه بیشتر افکار عمومی را به سوی غرب سوق دهند. آنچه به اختصار در این نوشتار ۱۰۸ صفحه‌ای آمده است اشاره‌ای کوتاه به عقاید دیدگاه‌های پیغامدهای مختلف کاشان در مشروطه دوم بوده و وجود می‌خواستند که ایران توسعه‌یافت‌ و ایرانی ترقی کند!